



2019/05/28



س. ح. روغ

## به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟

گفتار هشتم  
19/02/13



### «ژیوپولیتیک جنگ» پایانتر می لغزد!

همه توجه جهان، در چند هفته گذشته، به دو گردهمایی بزرگ دوخته بود :

کنفرانس اقتصاد جهانی "داوس"

و کنفرانس امنیتی مونشن

تدویر این دو گردهمایی یکی بدنبال دیگر دو پیام بسیار مهم را می رسانید -

یکی این که اقتصاد و امنیت در جهان کماکان با هم تنیده هستند؛ و دیگری این که آن ساختار های بین المللی در حال فرو پاشیدن هستند که تا کنون برای نظم اقتصادی مسلط در جهان، «امنیت» را ضمانت می کردند، و این نظم را هماهنگ می ساختند؛

همین چندسال پیش به پیشواز کنفرانس داوس مظاهرات مخالفان گلوبالیزم دعوت می شدند، که پیوسته ضعیف تر شده رفتند؛ اما ضعف "جریان های ضدگلوبالیزم"، نمایشی برای یک غلبه "گلوبالیزم اقتصادی" نه شد؛ نه تنها سران کشور های بزرگ علاقه ای برای شرکت در کنفرانس اخیر داوس نشان ندادند؛ بلکه کنفرانس اخیر امنیت مونشن نشان داد که خود «استنباط از امنیت» در جهان کنونی، بطور دلهره آوری لغزان و لرزان شده است؛ و هر دو کنفرانس یک پدیده درخشنده را هم به نمایش گذاشتند :

در چنین یک دنیایی که سر و پا کنده از مستنطق می گریزد، داکتر آنجلا میرکل صدراعظم آلمان، یک نطق سراپا آگنده از منطق داشت . خانم مرکل از آخرین امیدواری های جهان است، که با ما وداع می کند!؟

•  
اوضاع و انکشافات افغانستان در کنفرانس مونشن موضوع توجه خاص نبودند. رادیو صدای آلمان گزارش داد:  
«با توجه به احتمال خروج نیروهای امریکایی از افغانستان ومذاکرات صلح واشنگتن با طالبان، انتظار میرفت که بحران درازمدت افغانستان بر کنفرانس مونشن سایه افکند؛ اما چنین نه شد؛ سازماندهندگان کنفرانس مونشن در آجدای خود موضوع درگیری افغانستان را در محراق توجه قرار نداده بودند.»

این که موضوع افغانستان در کنفرانس مونشن «درمحاق توجه» نبود، دلایل متعددی دارد، که بیرون از بحث ما است؛ شرکت هیأت افغانستان تحت ریاست داکتر غنی در کنفرانس مونشن فرصت داد که مواضع دولت افغا- نستان پیرامون انکشافات افغانستان به تبادل نظر گذاشته شود.

توضیح مواضع دولت افغانستان در کنفرانس مونشن اهمیت داشت تا معلوم شود که کنفرانس بین الافغانی «بُن سوم» به کدام استقامت ها کار کند؛

یک فشرده از صحبت های داکتر غنی در کنفرانس مونشن تحت عنوان «ما چی می خواهیم؟» به نشر رسید؛ داکتر غنی گفته است:

«ما می خواهیم افغانستان را از یک مشکل و چالش، به یک فرصت بدل نماییم. من افغانستان را به یک منطقه وصل شده با تمام همسایه هایش تبدیل کرده ام. این برنامه یعنی وصل افغانستان و فرار از اتکا به یک راه و یک بندر ادامه دارد... افغانستان تغییر کرده است. تغییر خیلی بنیادی و عمیق صورت گرفته است. افغانستان امروز می خواهد زیر چتر جمهوریت زنده گی کند. افغانستان امروز می خواهد که معارف داشته باشد؛ و آزادی های تعریف شده انسانی داشته باشد. افغانستان ظهور کرده است؛ و این ظهور مجدد، به همکاری شرکای جهانی ما بوده است. آنان اطمینان داشته باشند که این کشور به فقرا و به سیاهی بر نمی گردد، چه آن ها با ما باشند، چه نباشند.

من قبل بر آمدن به این جا با هزار نفر که از تمام افغانستان جمع شده بودند، مشوره کردم . آنان در گروه های کاری و بدون شناخت از یکدیگر منسجم شده بودند. وقتی یکجا شدند و نتیجه بحث ها را شریک ساختند همه از یک ارزش حرف می زنند. آن ارزش این بود که باید نظام و جمهوریت بقا یابد؛ و دفاع شود؛ و هیچ گروه حق اضمحلال آن را نداشته باشد؛ من مدافع ارزش های جمهوریت هستم و خواهم بود.

این که هر قدرت دیگر نظرش راجع به این رابطه چیست، برای من مهم نیست .

برای من منافع و حیثیت افغانستان مهم است.

این است بنیاد مشروعیت و اجندای من.»

این فراز ها را نقل کردیم، تا به مباحثات پیرامون کوششهای امریکا برای ایجاد «یک فرصت برای صلح» در افغانستان، برگردیم؛

طی هفته ای که گذشت، یکی دو نوشته ای که به حمایت از مواضع طالبان نشر شدند، همان ادعای طالبان را تکرار می

نویسند که با دولت غنی بخاطری مذاکره نه می شود، چون دست نشانده است و مشروعیت ندارد؛

هرگاه سوال «مشروعیت» به معیارهای پذیرفته شده سیاسی بر گردانیده شود، پس هیچ ساختار سیاسی کنونی در افغانستان نمیتواند با ادعای مشروعیت، دیگران را نفی کند؛ هرگاه ملاک و معیار مشروعیت «اراده مردم» است؛ پس طالبان چرا انتخابات را تحریم می کنند؟ چرا طالبان از قضاوت مردم هراس دارند؟

امتناع طالبان از مذاکره رو در روی با دولت افغانستان، و به تعویق انداختن و یا لغو این و یا آن ملاقات، یک بازی برای جلا دادن به سیمای طالبان است! تجربه بازی همراهی «نام سیاه» و «نام سفید» برای این و آن چهره دلایل روشن برای آنانی هست که «یعقلون» اند!!

هرگاه سوال مشروعیت به «حضور» نیرو های خارجی در افغانستان ربط می گیرد، طالبان هم اعلام کرده اند که باقی ماندن این نیروها در افغانستان را تحمل می کنند؛

و هرگاه موضوع این باشد که «طالبان دیگر امارت اسلامی نمی خواهند»، همین سخن هم بار نخست از زبان ظریف وزیر خارجه ایران جاری شد!! اما ظریف نگفت که طالبان دیگر امارت اسلامی نمی خواهند، بل گفت که «کشورهای منطقه، یک امارت اسلامی طالبانی را تحمل نخواهند کرد».

طی هفته های اخیر عکس هایی، از جمله در نیویارک تایمز، نشر شدند، که ثابت می سازند بازی کنندگان متعدد جریانات اخیر در کشور، به شمول طالبان، از دور یک میز برخاسته اند؛ طالبان کدام تافته جدا بافته نیستند!

این انتباه مطبوعات هم که اختلافات در میان خلیل زاد و غنی گویا «بسیار شدید» هستند؛ طی هفته گذشته نفی شد؛ و آریانا تلویزیون گزارش داد که خلیل زاد و غنی روی یک میکانیزم مشترک کار موافقت کردند؛ اما تاکید خلیل زاد برای ایجاد یک هیات مذاکره کننده، حتی با پایه های وسیع، فقط وقتی معنا و مفیدیت خواهد داشت که طالبان انتخابات را تحریم نکنند، و در برابر رأی مردم خود را به قضاوت آزاد بگذارند؛

ازینجاست که در شرایط افغانستان مذاکره برای صلح به ضرورت تدویر انتخابات می انجامد؛ و نه به ضرورت تدویر اداره «سرپرست»!

این درست است که همه می خواهند راهی برای بیرون رفت یافته شود، اما اگر طالبان چنین پنداشته باشند که در موقفی هستند که شرایط را دیکته کنند، پس طالبان اشتباه می کنند.

هر کسی که از انتخابات پیروز بدر آمد، همان کس مشروعیت دارد!

این انتباه مطبوعات هم که گویا کرزی یک موضع ضد غنی در میز ماسکو اتخاذ کرده است، طی هفته گذشته نفی شد؛ کرزی در مصاحبه با بی بی سی با صراحت گفت که طرح حکومت موقت غلط است، و حکومت فعلی باید تا آمدن صلح برجا بماند؛

این انتباه مطبوعات هم که گویا در اثر همان اختلافات «بسیار شدید»، موقف خلیل زاد ضعیف شده است، طی هفته گذشته نفی شد؛ مطبوعات از این سخن گفتند که خلیل زاد در مقام نماینده خاص امریکا در افغانستان موقف محکم تری می یابد؛

بهرحال! روشنفکری افغانستان که عادت بد کرده است در هیچ موردی، هیچ موضعی نداشته باشد، اینک با این سوال مشکل غافلگیر شده است که در شلوغ سرگیجه آور رویدادها و تبلیغات جاری، چی موضعی بگیریم؟ راست گپ این است که یک پاسخ قطعی و متقن به این سوال در دست نیست؛ معنا این که برای یافتن یک پاسخ قناعت بخش باید میدان های جستجو را بدل کنیم!

طالبان را مثال می گیریم؛

نه این محاسبه با واقعیت منطبق است که طالبان می باید از هر گونه حل سیاسی بیرون گذاشته شوند؛ و نه این محاسبه درست است که طالبان یگانه نیروی بر حق در افغانستان هستند؛ بصراحت می گوئیم: این درست نیست که «حقیقت» در انحصار طالبان هست!

پس مبانی و دلایل جستجو برای یافتن یک پاسخ تقریبی که به صلاح وطن و صلح باشد، را باید برونتر از نیروها و جوانب در گیر، و خوب؛ و بد؛ آنان بیابیم؛ چنین مبانی و دلایل، مقیاس های ما برای قضاوت، و برای «مشروعیت»، را دگرگون می کنند؛

پس شاخص اصلی جستجو را چنین قرار می دهیم:

چی به نفع وطن ما است؟ یعنی نیروها و جوانب در گیر در برابر منافع و مصالح وطن چه موضع، و چه برنامه ای، دارند؟

با وضاحت در می یابیم که در پاسخ به این سوال داکتر غنی دست بالاتر دارد؛ غنی می گوید: « منافع و حیثیت افغانستان مهم است. باید نظام و جمهوریت بقا یابد. دفاع شود. و هیچ گروه حق اضمحلال آن را نداشته باشد. من مدافع ارزش های جمهوریت هستم و خواهم بود. ما می خواهیم افغانستان را از یک مشکل و یک چالش، به یک فرصت بدل نماییم. من افغانستان را به یک منطقه وصل شده با تمام همسایه هایش تبدیل کرده ام. این برنامه یعنی وصل افغانستان و فرار از اتکا به یک راه و یک بندر ادامه دارد ... این است بنیاد مشروعیت؛ و اجندای من!»

اینک کسی مهربان شود و به ما بیاموزد که کدام مواضع، به غیر ازین موضع، درست هستند؟

منحل ساختن دولت درست است؟

منحل ساختن قانون اساسی درست است؟

منحل ساختن اردو و پولیس درست است؟

تحریم انتخابات درست است؟

بفرمایید و بما نشان بدهید که از نظر شما، ما برای چی «دندوره» کنیم؟

آیا غنی ناتوانی ها و ناکامیها نداشته است؟ بدون تردید بسیار داشته است! اما غنی یک کسی است که می خواهد دروازه هایی را بگشاید که ما نمی گشوده ایم! می خواهد راه هایی را برود که ما نمی شناخته ایم!

چرا نمی مانیم که کار کند؟

غنی یک کسی است که آمده است «تا قفل زندان بشکند»؛ و ما، خود ما، در عمق تاریکی های «زندان جنگ» پوسیده شده ایم، اما غالمغال داریم که این قفل شکن که آمده، این خو مشروعیت ندارد!

تجویز ها برای «مشروعیت»، نمی توانند «من در آوردی» باشند!

انکشافات دو هفته اخیر در منطقه، عقربه ها را به شدت دور داده اند؛ دو حمله تروریستی یکی در شرق ایران و دیگری در کشمیر هند تلفات به بار آوردند؛ هم هند و هم ایران به عملیات تلافی جویانه تهدید کردند؛ سفر پر از «بخشش» های ولیعهد سعودی به پاکستان و وعده بیست میلیارد دالر سرمایه گذاری در پاکستان، همه توجه را به انگیزه های این حملات معطوف داشت؛ عمران خان گفت که پاکستان آماده همکاری است تا عوامل حملات شناسایی و مجازات شوند؛

سوال این است که آیا انکشافات کنونی به جنگ میان پاکستان و هند خواهد انجامید و یا نه ؟

پاسخ این است که تشنج حتماً بسیار بیشتر شده است، اما تا جنگ هنوز فاصله است!

هوش ما باشد که کدام مانع دیگری هم راه هند را سد نشده است؛

فقط هند بسیار ترسیده از این که حکمتیار اعلان کرده اگر جنگ در بگیرد، حزب اسلامی در سنگر پاکستان می جنگد!!

عمیق تر که ببینیم چنین بنظر می رسد که یک برنامه کمپلکسی رویدست است تا ایران از امتداد سرحدات آن با پاکستان بی ثبات ساخته شود؛ این چنین یک برنامه با وضعیت عمومی مقابله با ایران، مطابقت می کند؛ سخن چند هفته پیش عمران

خان را تکرار مینویسیم که گفت پاکستان دیگر عسکر مزدور برای هیچکسی نخواهد شد!

آیا حقیقتاً چنین است؟

علاوه از این سعودی در بخشش های «کلان» به پاکستان، شاید نگاهی هم به تکنالوژی اتمی پاکستان دارد؛

دیده شود!

در این میان سفیر پاکستان در کابل یک آذان بی وخت داد؛ گفت اگر هند علیه پاکستان دست به اقدام نظامی بزند، پاکستان

دیگر بالای طالبان برای مذاکره با دولت افغانستان فشار نمی آورد!!

جناب سفیر صایب نمی داند که اگر هند دست به جنگ ببرد، این بار نه کل می ماند! نه کدو!  
بهر حال ژئوپولیتیک تشنج و جنگ یک گام از افغانستان پایانتر می لغزد؛ افغانان به تجربه می دانند که جنگ برای هیچ  
مردمی جریان خوشی نیست؛ اما بنظر میرسد که شریانیهای جنگ افغانستان گره به گره می خشکند.

جنگ، دیگر، یک کالای مرغوب نیست، حتی در دست طالبان!

هر چی هست، یک حقیقت معلوم شده است؛

تولستوی گفته بود که «جنگ یک حماقت عظیم است»!

این حقیقت معلوم شده است که از این گفت تولستوی -

حتماً «حماقت» به ما رسیده است!

و «عظیم» به طالبان رسیده است!

پایان گفتار هشتم



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با  
"کلیدی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمایی شوند!



به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (قسمت هشتم)

Rogh\_h\_ba\_watan\_tshikoona\_bengarem\_8.pdf